

غروب غم‌انگیز صدر حزب ما رفیق ضیا!

زندگی جریان دارد این ما هستیم که رهگذریم و این واقعیتی است که بعد هر شب تاریک، افق روشن پدیدار میگردد و بر تمامی تاریکی‌ها و زوایای زندگی روشنی می‌اندازد و مسیر را ترسیم میکند. پس خورشید با انوارش خواهد درخشید و روزهای خوب خواهد آمد.

درست یکسال قبل در چنین روزی، آسمان غمبار ما یکی از ستاره‌های تابانش را از دست داد. او از جمع یارانش جدا شد و از لحاظ فیزیکی معدوم گردید و پدرود حیات گفت. اما از لحاظ معنوی و خط رهنمود دهنده‌اش با ما هست و بر تارک جنبش ما میدرخشد و پرتو افشان است که بر تمامی تاریکی‌ها روشنایی بخشید و قطب‌نمایی بود، برای کشتی انقلاب بساحل نجات، و آن ستاره‌ی تابان انقلاب رفیق ضیاء بود. رفیق ضیا بطور ناگهانی و بدور از انتظار از جمع رفقایش جدا شد و به‌جاودانگی پیوست. رفیق ضیاء از متن و بطن جامعه‌اش برخاست محرومیت‌ها، ناهنجاری‌ها، ستم، استثمار طبقاتی و مناسبات ظالمانه اجتماعی را در همه‌ی ابعاد و عرصه‌های زندگی درک کرد و به آن به مبارزه برخاست و در اوایل مبارزاتش افکار و اندیشه‌اش مشحون از ایدئولوژی اسلامی و اقتصاد سوسیالیستی بود و آن را تجربه نمود. اما به‌زودی متوجه شد که این دوالیزم فکری حلال مشکلات برای مردمان دربند و اسیر نیست و کارایی ندارد و بعد به مطالعه آثار پیشوایان علم انقلاب پرولتاریایی پرداخت و آن را بطور خلاقانه در تیوری و پراتیک به‌کار بست و تا آخرین مرحله زندگی پر بارش به آن عقیده راسخ داشت.

رفیق ضیاء هنگامی جذب جنبش چپ کشور گردید که سازمان جوانان مترقی و جریان تحت رهبری‌اش یعنی جریان دموکراتیک نوین از هم پاشیده بود و چندین محفل و سازمان منشعب از آن به‌طور جداگانه فعالیت داشتند. در بحبوحه کودتای خونین هفت ثور ساما بوجود آمد و در عرصه سیاسی و نظامی علیه کودتاچیان هفت ثوری فعال گردید که مدت زمانی خوش درخشید و رفیق زنده یاد نیز یکی از کادرهای فعال آن بود و مسوول بخش سامای غرجستان تعیین گردید. او برای مدتی درین راستا به مبارزه و پیکار ادامه داد اما بعد از گرایشات تسلیمی و تسلیم‌طلبی ساما به‌شکل درونی و اصولی مبارزه‌اش علیه تسلیم‌طلبان به‌پیش برد و یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات بارز رفیق ضیاء قاطعیت و ایستادگی‌اش در برابر انحرافات و ارتداد بود. بر مبنای مبارزه دو خط و اصل وحدت-مبارزه-وحدت تلاش و مبارزه درونی سازمان را پیش برد که متأسفانه نتایج مثبت در قبال نداشت. بعد از جروب‌های دوامدار و طولانی بالاخره از ساما گسست کامل کرد و ساما به‌جای پرداختن به مباحث اصولی دست به توطئه و اتهامات بی‌اساس علیه رفیق زد که بجای وحدت زمینه انشعاب پیش آمد و اکثریت اعضای بخش غرجستان و عده‌ی دیگر جهت رفیق را گرفتند و با الهام و تاثیرپذیری از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی «هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان» را بنیان گذاشتند که به اسرع وقت جمع‌کثیری از رفقا به هسته پیوستند و به‌مبارزات‌شان ادامه دادند.

هسته با جمع‌بندی و تجارب مبارزاتی گذشته جنبش چپ بویژه «سازمان جوانان مترقی» و محافل و سازمان‌های منشعب از بدنه آن به مطالعه دوامدار و عمیق پرداخت و با بیرون کردن خط رفیق اکرم یاری از زیر آوار و تکیه روی آن علیه تمامی انحرافات اپورتونیزم راست و چپ و گرایشات ناسالم اکونومیزم بورژوایی، سنتریزم، پاسیویزم، آوانتوریزم و ده‌ها انحرافات عدیده دیگر، با اصولیت و قاطعیت تمام به‌مبارزه بی‌امان دست زد. به اندک زمانی هسته را همراه با یاران هم‌زمش به حزب کمونیست تکامل بخشید و در مدت زمان اندک در رابطه موضوعات گوناگون ده‌ها مقاله ارزشمند و آثار گران‌بهای را به‌رشته تحریر در آورد که در سایت حزب و ارگان نشراتی شعله جاوید در مراحل و دوره‌های مختلف درج و نشر گردید. به‌دین ترتیب جوانب مثبت و کارنامه‌های مبارزاتی سازمان جوانان مترقی را تکامل بخشید و جوانب منفی و کمبودات‌اش را انتقاد نمود. در نتیجه تلاش و پیکار وحدت طلبانه چندجناح از باز مانده‌های جنبش چپ کشور، در ۱۳۸۳ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تشکیل شد و این مشت محکم بر دهان ارتجاع و امپریالیزم بود که کشور را مورد اشغال و تجاوز قرار داده و بی‌شرمانه‌تر اینکه درین بحبوحه و گرد باد شوم تجاوز و اشغال عده‌ی تسلیم‌طلبان بی‌آزم آن را «بارقه امید در چشمان اشکبار مردمان کشور تلقی می‌کردند» و در رکاب تجاوز و اشغال هم‌نوا شده بودند و کف می‌زدند و ده سال تمام سکوت مرگبار اختیار کردند. اما حزب در همان ابتدا تجاوز و اشغال با پخش اعلامیه‌ها و جهت‌بیداری اذهان عامه خواستار مقاومت و مبارزه علیه تجاوز و اشغال گردید و بر مبنای تضاد عمده اشغال‌گران و حکومت دست‌نشانده‌شان را دشمنان سوگند خورده و عمده خلق رنج‌دیده افغانستان شمردند و شعار «جنگ

مقاومت ملی-مردمی و انقلابی را که شکل مشخص جنگ کنونی خلق است تا بیرون راندن قوای متجاوز و سرنگونی رژیم دست نشانده سر دادند» و بجای آن استقرار حکومت دموکراتیک نوین را یگانه راه علاج اعلام نمود.

رفیق ضیاء روی دو اصل تاکید بیشتر می‌ورزید یکی سه سلاح معجزه آسای انقلاب یعنی دست یافتن به حزب کمونیست، ارتش رهای بخش خلق و جبهه متهد ملی که خوشبختانه در اثر سعی تلاش فراوان به سلاح اول دست یازیدند که روشنایی بخش بر تمامی انحرافات عدیده گذشته و فعلی گردید که متاسفانه تا هنوز اکثریت بقایای محافل و سازمان‌های منشعب از بدنه جنبش چپ تا کنون در منجلاب ره گم‌کردگی و کوره راهها حیران و سرگردان باقی مانده اند و همچنان رفیق رزمنده ما روی ایجاد و بازسازی انترناسیونال نوین کمونیستی مصرانه تاکید داشت و یکی از کمبودات جدی انقلابی جهانی را نبود مقرر و ستاد فرماندهی پرولتاریایی در سطح بین‌المللی میدانست، از آن مقرر که انقلابات سوسیالیستی و جنبش‌های آزادیبخش جهان هدایت و رهبری میشد میدانست و در راه ایجاد آن حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یکی از اعضای فعال و پرشور جنبش انقلابی انترناسیونالیستی گردید. متاسفانه این جنبش بین‌المللی توسط سنتز نوین آواکیان از هم پاشید و اعضای جنبش را برای مدتی در یک سر درگمی قرار داد. اما برای اولین بار رفیق ضیاء علیه سنتز نوین آواکیان موضع گرفت و این گرایش ناسالم و ارتداد اوکیانی و شرکایش را در سطح جهان افشاء نمود و آن را یک گرایش رویزیونیستی خواند و مقالات متعددی درین رابطه از خود بجا گذاشته است. بناءً با صراحت میتوان گفت که کارنامه‌های مبارزاتی و خدمات فناپذیر رفیق ضیاء و موضع‌گیری انقلابی‌اش علیه انواع اپورتونیزم و رویزیونیزم رنگارنگ در سطح منطقه و جهان در خور تمجید و تحسین است. بیاید همه با هم یادی از رفیق ضیاء نمایم و خط مشی سیاسی حزب و آثار ماندگار او را چون مردمک چشم حفظ بداریم و در این راه شجاعانه بایستیم و گام برداریم و نگذاریم درفش خونین جنبش چپ را که او بر شانه‌هایش تا آخرین لحظه زندگی‌اش حمل میکرد بر زمین بیفتد. ضیاء چون الماس و ستاره تابان از آن سو و از فراز کوه‌های سر بفلک کشیده بر آسمان انقلاب ما می‌درخشد و چون قطب نما مسیر را برای رهروانش هموار و روشن کرده است.

رفیق ضیاء با ماست

یاد عزیزش گرامی باد.

هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان - واحد استرالیا